

اخرع کاغذ

تاریخ خشت‌نشته‌ها در کشورهای باستانی آسیای غربی

علی سامی

پیش از اختراع کاغذ ساکنان چین بر روی استخوان و پوست سنگ‌پشت و ایرانیان بر روی پوست آهو و لوح‌های گلی می‌نوشتند

مینوشتند، و بعد مرکب روی آن مالیده و سپس پاک میکردند. رنگ سیاه مرکب در گودیهای خطوط کنده شده، باقی‌میمانند و نوشته‌ها را مینمایانید. آنگاه این پوستهای درخت را که روی آن نوشته بودند، به نخ کشیده مرتب مینمودند و درجائی محفوظ نگاه میداشتند، که اکنون مقدار زیادی از آن در کتابخانه‌های بنام «خزانه‌های خدای سخن» نگاهداری میگردد، و با اینکه در کشورهای همسایه یعنی چین از حدود سده دوم میلادی کاغذ ساخته شده، با وجود براین تا اواخر هزاره اول پس از میلاد که کاغذ توسط ایرانیان و مسلمانان بدانجا برده شد، نوشته‌های خود را روی همین پوستهای نازک و صاف شده درختان ثبت و ضبط مینموده‌اند.

کاغذ پوستی هم که از پوست گاو و گوسفند و آهو و سایر حیوانات تهیه میشده، از صدها سال پیش از میلاد معمول و بر حسب عقیده راولین‌سن شاید نوشته‌های مادیه و پارسی‌ها تا پیش از تشکیل و گسترش شاهنشاهی روی پوست بوده که پوسیده و از بین رفته است. همچنین معروف است که اوستا روی دوازده هزار پوست نوشته شده بود و یک نسخه آن در

نوشتن خط بروی لوح‌های گلی و استوانه‌ها و منشورها، تاریخ کهنسال و دامنه‌داری دارد که با پیدایش خط، همزمان بستگی پیدا مینماید.

بشر همگام با اختراع و توسعه و تکمیل خط، درصدد برآمد وسیله ثبت و نگاهداری آنرا هم تهیه و درست نماید. از این رو هر قومی که مخترع خط بود، از آنچه که آسان‌تر و فراوان‌تر در دست‌رسان قرار گرفته بود، چیزی درست کرد و توسط آن اسناد و نوشته‌های خود را بر آن ثبت نمود. مصریها، از نی‌های روئیده شده در دلتای نیل بنام «بردی» کاغذ پاپیروس درست میکردند، و از سده‌ها پیش از میلاد تا ده دوازده سده پس از میلاد، همین کاغذها برای نوشتن مورد استفاده آنها و پارهای از کشورهای همسایه و یونان و روم بود.

چینی‌ها که نخستین کشور سازنده کاغذ هستند تا پیش از ساختن کاغذ که بحدود سده دوم میلادی میرسد، نوشته‌های خود را بیشتر به روی پوست سنگ‌پشت و استخوانها بنام «چیان - کو - ون - تسو»^۲ مینوشتند. مقداری از این نوشته‌ها مربوط بخط واحد «تسانگ‌چی»^۳ حدود نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد در سال ۱۸۸۹ میلادی در استان هونان^۴ بدست آمد.

در سیلان و هند از برگ نخل و برگهای «تالیپوت» نوعی کاغذ بنام «آلا»^۵ درست میکردند و بسیاری از نوشته‌های خود را نیز روی پوست نازک‌شده درختان با قلم آهنی نوک‌تیز

۱ - دریایان این بحث درباره پاپیروس و کاغذ چینی‌ها مشروح‌تر سخن گفته خواهد شد.

2 - Chlan-Ku-Wen-Tsu.

3 - Tsang-Chi.

4 - Honan.

5 - Alla.

از ماه چهارم قصب‌السبق برده بود
 و اکنون چو تار توی گشت است پیکرم
 از ابوالفرج رونی :
 همیشه تا به تموز و به دی بکار شود
 لباسی توی و کتان قاقم و سنجاب^{۱۱}

مسعودی متوفی ۳۴۵ هـ . ق در مروج‌الذهب مینویسد :
 در نامه پادشاه هند بخصرو انوشیروان بر روی پوست درختی
 بوده که آنرا « کاذی » میخوانند و آنرا موز سرخ نوشته بودند
 این درخت که در هندوستان و چین دیده میشود ، درختی عجیب
 و رنگ زیبا و بوی خوش آن مطلوب است ، پوست آن نازکتر
 از کاغذ چینی است و پادشاهان چین و هند نامه‌های خود را
 بر آن مینوشتند .

ابن‌الندیم (سده چهارم هجری) نوشته است: « . . . بعد از
 اندک زمانی مردم مطالب خود را برای آنکه بماند بر روی سنگ
 و مس نوشتند . . . بعد بچوب و پوست درختان توسل یافتند . . .
 بعضی نیز برای آنکه نوشته‌هایشان جاوید بماند آنها را روی
 پوست درخت توز که بر کمان می‌کشند می‌نگاشتند ، پس پوست
 را دباغی کردند و بر روی آن نوشتند . مردم مصر قرطاس
 مصری را در این مورد بکار میبردند و آنرا از نی گیاهی بردی
 « پاپروس » می‌ساختند . . . مردم یا بر حریر سفید ، یا بر
 پوست سفید ، یا بر طومارهای مصری ، یا بر پوست خر وحشی
 کتابت میکردند و ایرانیها بر روی پوست گاو میش و گاو
 و گوسفند . اما اعراب برای نوشتن استخوان شانه شتر یا
 سنگهای نازک سفید یا شاخه‌های پوست‌کنده درخت خرما را
 بکار میبردند . چینی‌ها بر کاغذ چینی که از نباتات خشک تهیه
 میکردند ، مینوشتند و بیشتر عایدی مملکت ایشان از این نتایج
 حاصل میشد . کتابت مردم هند بر روی مس و سنگ یا بر حریر
 سفید بوده »^{۱۲} .

عربها که متأخرترین ملل قدیمه‌ای هستند که خط را یاد
 گرفتند ، همینطور تا صدر اسلام و پیش از آن ، نوشته‌های
 معدود خود را بیشتر روی استخوانهای دنده ، کتف شتر و چوبهای
 نخل و سنگ و پوست و پارچه مینوشتند .

در جلگه بین‌النهرین که طبیعت گیاه بردی را آنجا
 نیافریده بود ، لازم می‌آمد که مردم دوراندیش و تیزهوش آنجا
 یک وسیله آسان و ساده و رایگان برای ثبت نوشته‌ها و اسناد
 معاملاتی و حقوقی و اداری و پیمان‌نامه‌ها و فرمانها و سالیانه‌ها
 تهیه نمایند . از این رو از گیاههای رُس شسته شده خالص بستر
 رودخانه فرات که طبیعت باندازه کافی و رایگان در این سرزمین
 موجود ساخته ، استفاده نمودند . آنها این گلهای رسوبی پاک
 بدون شن را کمی ورز و مالش داده و سپس به تکه‌های کوچک
 و قابل حمل باندازه مهر نماز کمی بزرگتر و برای اسنادی که
 مطالب بیشتری داشته ، بصورت منشور و استوانه (مانند استوانه

« دژ نبشت » تخت جمشید و نسخه دیگر در شیپگان نگاهداری
 میشده است . این نظریه را نوشته داریوش در بیستون که
 صریحاً مینویسد : متن فرمان خود را بروی اشیاء دیگری از
 آن جمله پوست آهو نوشته و بکشورهای تابعه فرستاده است^{۱۳} ،
 و همچنین پیدایش دو قباله ملکی پوستی مربوط بسده اول
 پیش از میلاد با خط پهلوی اشکالی^{۱۴} در اورامان کردستان
 تأیید مینماید .

کتابهای کتابخانه پرگام^{۱۵} روی همین کاغذهای پوستی
 بوده است و یونانیها نیز پیش از استفاده از پاپروس ، نوشته‌های
 خود را روی پوست می‌نوشتند .

ابوریحان بیرونی متوفی سال ۴۴۰ هـ . ق (۱۰۴۸ میلادی)
 درباره ماده‌ای که هندیها روی آن مطالب خود را ثبت
 می‌نموده‌اند ، نوشته است :

« در شهرهای جنوبی هندوستان درخت بلندی است مثل
 خرما و نارگیل که میوه آنرا میخورند و برگهایش بطول
 یک ذرع و عرض حدود سه انگشت است نام آن درخت بزبان
 هندی « تاری » است مردم هند مطالب خود را روی این برگها
 می‌نویسند و بعد آنها را بوسیله نخ‌ی از سوراخی که در میان
 آنها می‌کنند بهم می‌چسبانند ، اما در شهرهای مرکزی و شمالی
 هندوستان مردم پوست درخت توز را که بهوج می‌نامند
 و پرده‌های روی کمان را نیز از آن میسازند ، برای کتاب
 بکار میبردند . این پوست را که بقدر یک ذرع طول و چند
 انگشت باز یا کمتر از آن عرض دارد ، مردم میگیرند و پس از
 چرب کردن و صیقل دادن صاف میکنند سپس بر روی آن
 مینویسند و اوراق آنها را که پراکنده‌اند با اعداد متوالی
 میگذارند و بعد از آنکه کتاب تمام شد آنرا در یک قطعه پارچه
 می‌پیچند و در میان دولوح که بهمان اندازه اختیار شده ،
 می‌نهند . این قبیل کتب را « پوتی » میخوانند . نوشته دیگر
 ایشان هم بهمین ترتیب بر روی پوست درخت توز نوشته شده
 و باینطرف و آنطرف فرستاده میشود »^{۱۶} .

ابن‌الندیم در باب انواع کاغذ گوید : برای آنکه جاودان
 بماند در روی توز که کمانها بدان پوشند چیزی نوشتند .
 درخت خدنگ همان است که از آن تیر خدنگ و زین خدنگ
 را می‌گرفته‌اند . پس پوست آن بجای کاغذ و نیز برای پوشش
 روی کمان و سپر و زین اسب بکار رفته است و از الیاف آن
 پارچه‌ای می‌بافته‌اند که توی خوانده شده است و آن از لباسهای
 تابستانی بود مانند کتان . یاقوت حموی اشتباهاً اسم این پارچه
 را از اسم شهر توز « توژ یا توج » خوزستان مشتق میداند^{۱۷} .
 در المعجم آمده است :

پیراهن از خون و آب دیده
 چون توز کمان است و من کمانم
 کمال‌الدین اسماعیل گوید :

نی‌پور^{۱۴} از طرف استادان دانشگاه پنسیلوانیا از سال ۱۸۸۹ تا سال ۱۹۰۰ پنجهزار خشت بدست آمد که در موزه فیلادلفیا نگاهداری میشود .

در مصر نیز تعدادی لوح مربوط به پیمان نامه و قراردادهای سیاسی و حقوقی و نامه‌های متبادله بین فراعنه و پادشاهان آشور و بابل یافت شده که از طرف دولتهای باستانی سرزمین آسیای غربی بدانجا فرستاده شده‌است .

جالب‌تر و پراهمیت‌تر ، خشت‌نشته‌های سومریها و مطالب آنهاست که سرآغاز تاریخ تمدن بشر و منشأ و ریشه اصول فرهنگ دنیاست . پیدایش و خوانده شدن این خشت‌نشته‌ها ، بشر را بوجود يك قوم برجسته پر استعداد و با هوش دنیای باستان آگاه ساخت . از بابل و آشور جسته و گریخته آگاهی‌هایی ضمن کتابهای یهود و نوشته‌های تاریخ‌نویسان یونان و روم در دست بود ، ولی از وجود این قوم که خود در شمار بوجود آورندگان تمدن شرق قدیمه است ، هیچگونه اطلاع و تاریخی در دست نبود . لوحه‌های گلی سومریها اطلاعات بس گرانبها و مسوطی از يك فرهنگ پیش‌رفته بدست داد که رتوس قسمتی از آنها توسط استاد سومرشناس مشهور ساموئل کریمر^۹ استاد دانشگاه فیلادلفیا تألیف و منتشر گردید . راجع به خشت‌نشته‌های بابلی و تاریخ پیدایش آنها و سایر مطالب مهم باستانی مربوط باین قوم را هم خاورشناس فقید آمریکائی ادوارد شی‌یرا^{۱۰} استاد سابق کرسی آشورشناسی بنگاه شرقی شیکاگو تألیف

۶- عین نوشته چنین است : « این نشته را که نوشتنم بعلاوه بزبان آریائی بوده و روی لوحه‌های گلی و پوست آهو . . . و در حضور من خوانده شد ، بعد از آن این نشته‌ها را همه‌جا فرستادم . . . » .
۷- در موزه بریتانیا .

8 - Pergamon.

۹ -- کتاب ماللهند ابوریحان بیرونی .
۱۰- بضم اول و سکون دوم و زای هُوُز پوست درخت خدنگ و آن پوستی است که کمان و سپرها را بدان می‌پوشند و آن پوست را توز می‌نامند .
۱۱ -- برهان قاطع .
۱۲ -- تعلیقات نوروزنامه ۱۱۵ و ۱۱۶ .
۱۳ - Ernest De Sarzac دانشمند فرانسوی و کنسول آن کشور در شهر بصره بود ، او در سال ۱۸۷۷ در تلو کنار رود فرات کاوش کرد و در سال ۱۹۰۱ درگذشت .

14 - Tello.

15 - Goudea.

16 - Hugo Vincler.

17 - Bogaaz Qoi.

18 - Nippur.

19 - Samuel Noah Kramer

20 - Edward Chiera.

کوروش بزرگ) در میآوردند و پیش از آنکه خشک شود با شیئی نوک تیزی چون میخ یا سوزن یا چوب مطالب خود را بروی آن نوشته با مهر ممهور میساخته‌اند ، گاهی لوحه‌هایی که حاوی اسناد و مطالب مهم بازرگانی و یا قرارداد بوده ، برای اینکه مخدوش و دست‌خورده نشود ، با لفافه‌ای از گیل مانند پاکت مستور میگردیدند و عین آن مطالب ، باز بروی لفافه هم نوشته میشد و بهمر طرفین میرسید .

یکعدد از اسبابی که بتوسط آن روی لوحه‌های گلی مینوشته‌اند ، با يك ذره‌بین که برای خواندن حروف ریز مورد استفاده قرار میگرفته ، ضمن کاوشهای بین‌المللی یافته‌اند که از یافته‌های جالب کاوش‌های آنجا میباشد .

این خشتهای گلی با اینکه از گل خام و بیشتر نه‌پخته است ، هزاران سال در زیر خاک باقی مانده ، و اگر مورد اصابت و تراحم حشرات زیرزمینی قرار نگرفته باشد ، خطوط آن نیز بهیچوجه محو و ضایع نگشته است .

اساسی‌ترین و گرانبها‌ترین مزیت و خدمت این لوحه‌ها آنست که قسمتی از ادبیات و تاریخهای باستانی ساکنان بین‌النهرین را ، دست‌کم از پنجهزار سال پیش بدون دست‌خوردگی و تحریف و خدشه و دور از خلط تعصب ملی و قاره‌ای پاره‌ای از تاریخ‌نویسان و خاورشناسان اروپائی نگاهداشته و اینک بدست مردمان این عصر و زمان میدهند . در حالیکه بسیاری از آثار مهم ادبی و نوشته‌های دنیای قدیم مانند تورات ، ریگ ودا ، اوستا ، ایللیاد وادیسه باوجود آنکه قسمتهائی از آنها سینه بسینه نگاهداری و نقل شده یعنی در نیمه آخر هزاره اول پیش از میلاد بصورت کتاب درآمده ، چه بسا که به‌علل مختلفی در اثر دگرگونیها و دست بدست گشتن و تغییر دورانه‌های پادشاهی دستخوش تحریف و نقصان و بهم خوردگی گردیده‌است . از این‌گونه خشتهای نوشته بحد زیادی در حدود سیصد هزار عدد در عرض سده اخیر که کاوشهای مفصلی در سرزمین باستانی سومر و اکد و بابل و آشور و خوزستان (عیلام) و تخت‌جمشید و همچنین در محل سکونت سایر قبایل و ملل شرق قدیم و هیتی‌ها انجام گرفته ، بدست آمده که هر دسته از آنها انصافاً پرده‌های ضخیم تاریک تاریخ این اقوام را بیکسو زده ، و بشر امروزی را از پایه ممتاز دانشها و هنرها و مذهب و اصول اخلاقی و فلسفه دنیای قدیم که اساس دانشهای دنیای نو را تشکیل داده ، آگاه ساخت .

معروف‌ترین این خشت‌نشته‌ها سی‌هزار عدد است که توسط دوسارزاک^{۱۳} در محل شهر تلو^{۱۴} ویرانه ساختمان همزمان گودآ^{۱۵} مربوط به ۲۷ سده پیش از میلاد پیدا شد و سپس خشت‌نشته‌های کتابخانه آشوربانی‌پال کشورگشای آشوری در حدود سی‌هزار عدد میباشد . سیزده هزار خشت‌نشته هم در سال ۱۹۱۲ توسط وینکلر آلمانی^{۱۶} در بغازکوی^{۱۷} و در

و منتشر گردیده است .

این خشت‌نشته‌ها در موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ کشورهای اروپائی و امریکائی و ترکیه و عراق مانند موزه‌های لوور ، بریتانیا ، برلن ، دانشگاه ییل^{۴۱} ، فیلادلفیا ، موزه شرق باستانی استانبول ، موزه عراق به ترتیب مخصوص شماره گذاری و فهرست‌بندی شده است و مفاد اغلب آنها مربوط به لشکر کشیها ، کشورگشائیها ، سالنامه‌ها ، مطالب نجومی ، احکام دادگاهها ، پیمان‌نامه‌ها ، دعاها و اوراد ، اساطیر و داستانهای حماسی ، سرودهای مذهبی ، مرثیه‌ها ، مراسم دینی ، اسناد دادوستد روزانه مردم و غیره میباشد .

بعضی از نوشته‌ها که در دو صفحه است بجای شماره‌بندی صفحات چند واژه از انتهای سطر آخر صفحه اول در اول صفحه دوم تکرار گردیده است . درپاره‌ای از لوح‌ها که مربوط بدادوستد و پیمان‌نامه‌های بازرگانی و کسبی است ، برای متخلف وجه التزامهای عجیبی تعیین گردیده ، مثلاً به پرستشگاه خداوندی که در قرارداد ذکر شده ، وجه التزام باید پرداخته شود ، یا علفه جهت چهارپایانی که برای حمل فلان پیکر خداوند کار میکنند باید پرداخت نمایند . یا پسرودختر خود را جهت قربانی در پای همان پیکر خداوند نام برده شده ، تسلیم نمایند .

و اینک شرح چند فقره خشت‌نشته‌هایی که در نقاط مختلف خاورمیانه بدست آمده است :

۱- در قیصریه^{۴۲} چندی پیش تعدادی خشت‌نشته که بعضی پخته و پاره‌ای نپخته است ، حاوی اسناد بازرگانی و نوشته‌های مربوط بدادوستد و قراردادهای عادی پیدا گردید که تنها یک لوحه آن حاوی بعضی مواد قانونی درباره کسب و تجارت است . یابندگان آنها و پژوهندگان تاریخ این لوح‌ها را بدو هزار سال پیش از میلاد میدانند که دسته‌ای از سوداگران آشوری بدانجا آمده و بکسب و بازرگانی مشغول گردیده‌اند . این دسته آشوریها برخلاف آنچه از سایر آشوریان در دنیا بر تاراجگری و خونخواری نام برده شده ، مردمانی سالم و آشتی‌پذیر بوده‌اند ، زبان آنان آشوری و خط میخی را در آن صفحات رواج دادند .

۲- حدود سیزده هزار خشت‌نشته در بغازکوی^{۴۳} بین سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ توسط دانشمند آلمانی هوگو وینکلر^{۴۴} بدست آمد . این لوح‌های گلی مربوط به بایگانی پادشاهان هیت^{۴۵} بوده که تعداد کمی از آنها بخط بابلی و بقیه بخط میخی هیتی میباشد .

خشت‌نشته‌های نامبرده مربوط بسالهای ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م. دنباله همان خطی است که پیش از آن توسط آشوریهای کوچ کرده سوداگر ، در قسمتی از آسیای صغیر (کاپادوکیه) رواج پیدا کرده بود . پس از آن ساکنان آنجا از آن خط برای خود

خطی درست کردند و هیتی‌ها هم هنگام ورود بآن دیار امپراطوری بزرگی که تشکیل دادند ، از همانجا بواسطه تماس با بومیان آن سرزمین خطی هم برای خود ترتیب دادند .

زبان هیتی از زبان آریاهای هند و اروپائی و با زبان قدیم یونان شباهتی داشته است . در بین الواح بغازکوی واژه‌های آریائی و پارسی کهن نیز دیده شده است ، که یگانگی و هم‌بستگی اولیه این اقوام آریائی را مینمایاند .

بین خشت‌های پیدا شده مطالب چند لوحه آن جالب و دارای اهمیت تاریخی و فرهنگی میباشد ، از آنجمله اسنادی است متضمن سرگذشت‌های حماسی و رزمی و قطعاتی از افسانه گیلگمش بزبان هیتی و هوری و بعضی مربوط به ستاره‌شناسی و غیبگویی و دینی و رسوم و آداب زیارت پرستشگاهها و مراسم دیوانی و تشریفات عیدها و روزهای مقدس دینی .

یکی از آنها که پراهمیت‌ترین سند و تا حدی نمودار تاریخ جدائی آریاهای کوچ کرده بنواحی باختری آسیا میباشد ، پیمان‌نامه مرزی و سیاسی بین یکی از سرداران میتانی^{۴۶} متی وز^{۴۷} که دختر شاه هیتی را بهمسری برگزیده و به همراهی او تخت شاهی را یافته با پادشاه هیتی سویلیولیوما^{۴۸} است . در این پیمان‌نامه مرزی ، تعدادی از خدایان از آنجمله چهارخدای قوم آریائی «میترا ، وارونا ، ایندرا ، ناساتیا» ، گواه گرفته شده ، که بهم وفادار مانده و بسرزمین یکدیگر تجاوز نمایند . این کهنترین سند از قوم آریائی میباشد که بدست آمده و در آن نام خدایان آریائی نوشته شده است .

نام آریاها برای نخستین بار در این خشت‌نشته «خاری»^{۴۹} خوانده شده و مینمایاند که چندی پیش از این تاریخ ، جدائی و کوچ دسته‌هایی از آریاها با آسیای مرکزی و ایران و بعضی از نواحی آسیای صغیر ، صورت گرفته است .

چندتای از این خشت‌نشته‌ها بمتزله لغت‌نامه یا قاموس است که واژه‌های مشابه و هم‌معنی را در زبانهای هیتی ، سومری ، اکدی نشان میدهد و پاره‌ای از آنها نیز شامل متن هوری است .

دیگر پیمان‌نامه‌ای بین یکی از پادشاهان هیت «خات-توشی لم»^{۴۰} با «رامسس دوم» فرعون مصر (۱۲۲۵-۱۲۶۲ ق.م.) ، از این پیمان‌نامه دولوح گلی پیدا شده :

یکی متن اصلی بخط بابلی (خط بین‌المللی روز) و دیگر بخط مصری (هیروگلیفی) ، نسخه مصری قبلاً در مصر پیدا شده بود ، پیمان نامبرده بر سر سوریه بسته شده و معلوم میدارد که چون دولت مصر نتوانسته است در برابر دولت نیرومند هیتی در سوریه کاری از پیش ببرد ، از در دوستی و آشتی برآمده که سرانجام به بستن چنین قراردادی منجر شده است .

یک خشت‌نشته مربوط به تشریفات دینی زن آبستن است که چنانچه دوچار اختلال و ناراحتی شدید شود ، چه عملی باید

انجام گیرد. درنشته دیگری از شاهراهی که در آسیای صغیر بوده، سخن گفته است.

جالبترین خشت نبشته حاوی قوانینی است که میتوان آنرا نخستین قانون اساسی دنیا نامید. این قوانین را پادشاهی بنام «تلی-نوس» وضع کرده و در آن حدود و حقوق مردم و امرا و نجبا را بیان میسازد و برای پادشاه خود کامه‌ای حدود تعیین نموده است. لوحه دیگر طرز خوراک دادن و راضی کردن اسب میباشد. این خشت نبشته را شخصی بنام کیکولیش^{۴۱} حدود سال ۱۳۶۰ ق.م نوشته و مفاد آن اینست که: « تربیت اسب شش ماه لازم دارد و بهترین اسبها در مسابقه‌های اسب‌دوانی انتخاب میشده. اسبان را با جل‌های پشمی در ساعاتی که بتدریج زیاد میشده، میدواندند تا عرق کند و لاغر میان بار آیند و به‌یورتمه رفتن عادت کنند. »

۳- در سرزمینهای شام و فلسطین هم مقداری خشت نبشته پیدا شده است، مخصوصاً در «رأس شمرا»^{۴۲} که بزبان سومری و اکدی است مربوط به یک هزار و چهارصد سال پیش از میلاد. مردمان آن سرزمین از خط میخی بابلی خطی نزدیک بهمان با تغییراتی که مقتضی زمان بوده، درست کرده بودند و گاهی بدو لهجه فنیقی و هوری نوشته شده.

در کوه‌های ارمنستان نیز خشت نبشته‌های میخی بدست آمده و معلوم میدارد که آن بواحی هم از خط میخی بابلی و آشوری خطی اقتباس نموده بودند.

۴- در سال ۱۸۹۳ میلادی «سرفلیندر پتری»^{۴۳} در «تل‌العمارنه» پیش از ۳۵۰۰ نبشته گیلی بدست آورد که همه بخط میخی و بیشتر آن درخواست‌های کمک بوده که از خاورزمین میرسیده است.

۵- کتابخانه آشوربانیپال^{۴۴} در ویرانه‌های «قویون جیک»^{۴۵} روبروی موصل (نیوای قدیم) علاوه بر مقدار زیادی از سنگ‌نگاره و پیکره‌های آشوری، تعداد زیادی هم خشت نبشته در حدود سی هزار عدد پیدا شده که بکتابخانه آشوربانی‌پال معروف است (۶۲۲ - ۶۶۸ ق.م). لوح‌ها باندازه‌ای فراوان است که برای تهیه و نوشتن آنها عده زیادی نویسنده و دانشمند لازم بوده، کتابخانه بطرز منظم و مرتبی طبقه‌بندی و فهرست گذاری شده و هر لوحه برچسب و یا باصطلاح امروز «فیش» دارد که باسانی میتواندستند کتاب مورد نیاز را بیابند و بر بسیاری از آن برچسب‌ها این عبارت که از علامت ویژه شاه‌ی بوده، دیده شده است: « هر کسی این لوح را از جای خود بمکان دیگر نقل دهد بلعنت آشور^{۴۶} و بلیت^{۴۷} گرفتار شود و نام او و فرزندان او از صفحه روزگار محو کند. . »

بعضی از آنها علامت کتابخانه سارگن نیای آشوربانیپال را دارد، ساده‌ترین علامت روی کتابها این جمله است: « کاخ آشوربانیپال، پادشاه جهان، پادشاه آشور. » بین این اسناد

تاریخی، مقداری لوح مربوط بشرح حال خود آشوربانیپال است که بقلم خودش، از تربیت و چگونگی حال خود سخن میگوید و مقداری دیگر دستور و قاموس و اسناد تاریخی و متن‌های سومری میباشد که بزبان آشوری ترجمه گردیده و از ستاره‌شناسی و شیمی و پزشکی و سایر دانشهای زمان بحث مینماید. روی پاره‌ای از لوح‌های قدیمی این جمله را افزوده‌اند: « من آشوربانیپال پادشاه توانا، این لوح را خوانده‌ام و بر کاخ خود امانت گذاردم. »

پیدایش این خشت نبشته‌ها نمودار ساخت، که آشوریها در عین خونخواری و تاراج‌گری و آشوبی که پیوسته چندین سده در نواحی آسیای غربی، برپا ساخته بودند، باز برای گردآوری متن‌ها و کتابهای اقوام متمدن پیش از خود بویژه سومریها، کوشش بسیار کرده‌اند و آنها را بزبان خود برگردانده‌اند. آشوربانیپال بیش از پادشاهان قبل از خود در این راه مساعی و علاقه بخرج داد، تا کتابخانه کاخ خود را گسترش دهد و تکمیل نماید. در یکی از لوح‌ها این دل‌بستگی و کوشش بخوبی نمایان میباشد، زیرا او بفرستاده خود دستور میدهد که با چند تن از دانشمندان دیگر، خانه‌ها را کاوش نماید و چنانچه لوح‌هایی بدست می‌آوردند، برای او بفرستند، مضمون فرمان او چنین است:

«سخن شاه به شادانو^{۴۸}: حال من خوب است، امیدوارم

21 - Yeal.

۲۲- قیصریه معرب Caesarea شهری در آسیای صغیر که زمان تسلط رومیها بر آن کشور مرکز آن گردید. در شمال شرقی مدیترانه در خاک ترکیه کنونی قرار گرفته و آنجا را منسوب به قیصر روم کرده قیصریه گفتند. در لاتین Cisarria گویند.

۲۳- Boghaz Qoy روستای کوچکی در خاک ترکیه شمال شرق آنکارا که در جنب آن ویرانه‌های باستانی قابل توجهی مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد وجود دارد. این ویرانه‌ها پتریوم Pterium پایتخت هیتی‌ها بوده است.

24 - Hugo Vincler.

25 - Hittite.

26 - Mittani.

27 - Mati Vaza.

28 - Subiluliuma.

29 - Khari.

30 - Khat-Tushi-Lem.

31 - Kikulish.

32 - Ras-Shamra.

33 - Sir-W.F. Petrie.

34 - Ashur - Banipal.

35 - Quyunjik.

۳۶- بلیت و آشور دوخدای آشوریها.

37 - Belit.

38 - Shadanu.

تو هم خوشحال باشی ، پس از دریافت این نامه با خود سه مرد را بردار (نام سه مرد در خشت‌نیشته یاد شده) و مردان دانشمند شهر بوریسیا^{۴۹} را با خود همراه کن و در همه لوح‌ها که در خانه‌های ایشان است و آن لوح‌ها که در پرستشگاه ازیدا^{۴۰} میباشد نگاه و جستجو کنی... « سپس تألیفاتی که آشوربانیپال بدان علاقه‌مند است باین شرح نام برده شده :

« در صدد باش لوح‌های ارزنده‌ای را که در ضبط خودداری و در آشور نیست ، برای من بفرستی ، من بمأموران و مباشران دستور داده‌ام و هیچکس نمیتواند خشت‌نیشته‌ها را از تو پنهان دارد . هرگاه لوحی دیدی که درباره آن بتو چیزی ننوشته‌ام و تو چنان می‌پنداری که ممکن است برای کاخ من سودمند باشد ، در جستجوی آن باش و آنرا ضبط کن و برای من بفرست . . . »

نیمی از این هزار خشت‌نیشته کتابخانه آشوربانی‌پال را «استن‌هانزی لایارد»^{۴۱} از سال ۱۸۴۵ میلادی بعد یافت و نیم دیگر را «هرمز» و «راسم» پس از او . این لوح‌ها از کتابخانه‌های بابل و بوریسیا استنساخ و گردآوری شده ، و مشتمل بر قصائد و سرودهایی در وصف طبیعت ، اذکار و اوراد ، تفأل و رؤیا ، طلسمات حرز ، دعا‌های مقدس ، ریاضیات ، نجوم ، تاریخ و داستانها میباشد . نیمی منظومه معروف «گیلگامش»^{۴۲} پهلوان بابلی که در طلب زندگی جاوید بود ، ضمن همین الواح پیدا شد و نیم دیگر داستان با کمک پولی مدیر روزنامه دبلوی تلگراف لندن «یکهزار کینیا برابر یکهزار و پنجاه پوند انگلیسی» توسط «ژرژ اسمیت»^{۴۳} بدست آمد و همه آنها هم بدست همین دانشمند دومی خوانده و ترجمه گردید ، خشت‌نیشته‌ها در موزه بریتانیا نگاهداری میشود .

«هومل»^{۴۴} ضمن خشت‌نیشته‌های کتابخانه ، نام خدائی بصورت «اسرمزش»^{۴۵} دیده‌است که تصور کرده همان اهورمز دای هخامنشیها میباشد که در آشور اینطور خوانده شده . و همچنین نام «میترا» را هم دیده‌اند که با خدای بابلی «شمش»^{۴۶} تطبیق گردیده .

چون موضوع کتابخانه آشوربانی‌پال و اهمیت آن پیش آمده باید توضیح داده شود که نخستین کتابخانه ، در شهر تب مصر بوده است که نام آنرا «داروخانه دردهای روحی» نام گذارده بودند و کتابخانه‌ای در جنب آموزشگاه پزشکی «سائیس» بوده ، که در زمان داریوش بزرگ بدان اشاره شده است . کتابخانه عمومی شهر «اسکندریه» بناگفته ارسطو حدود هفتصد هزار قطعه پاپیروس بصورت کتاب در آن وجود داشته است ، و در سال ۴۸ پیش از میلاد در اثر آتش‌سوزی از بین رفت و کتابخانه «پرگام» در حدود دوسده پیش از میلاد که کتابهای آنرا تا حدود دویست هزار نوشته‌اند و کتابخانه دژ نیش تخت‌جمشید و کتابخانه «شیز یگان» یا

«شپیکان» (آذربایجان) و کتابخانه عمومی که «ژول سزار» در رم پایه‌گذاری کرد و پس از او در سال ۳۷ پیش از میلاد مورخ مشهور «آسیبیوس» آنرا تأسیس کرد از کتابخانه‌های مشهور دنیای باستان بوده‌است .

۶ - باستان‌شناسان دانشگاه «پنسیلوانیا» از سال ۱۸۸۹ تا ۱۹۰۰ که مشغول کاوش در محل سابق شهر «نیپور» بودند تعداد زیادی در حدود پنجهزار خشت‌گلی نوشته بدست آوردند که در موزه دانشگاه «فیلادلفیا» در عراق نگهداری میشود . نزدیک سه هزار خشت‌نیشته آن بزبان سومری است و این زبان باهیچ زبان قدیم شباهت ندارد ، خواندن آنها بسیار مشکل است ، تعدادی از آنها که توسط استادان خط مورد بررسی و ترجمه قرار گرفته ، مشتمل بر سرودهای مذهبی و مرثیه‌ها و داستانها و امثال و حکم و قوانین است .

در دو نوشته مشابه که یکی در موزه لوور پاریس و دیگری در موزه فیلادلفیاست ، در یکی نام ۶۴ کتاب و در دیگری نام ۶۲ کتاب ذکر شده که نام ۲۸ کتاب در هر دو لوح یکسان ، و از روی این لوح‌ها رویهم‌رفته نام تعدادی کتاب که تاریخ تدوین آنها مقدم بر تاریخ خشت‌نیشته است (حدود ۹۷ کتاب) معلوم گردیده که ۲۸ تای آنها شناخته شده‌است .

مفاد نوشته روی یکی از خشتها مربوط بانسان‌شناسی و مطالبی است که آموخته‌شده ، بدین‌مضمون : «در آن زمان که انسانها آفریده شده‌اند ، از نان که خورده میشود و لباس که در بر میکنند ، کسی آگاهی نداشت . همه با چهار دست‌وپا راه میرفتند و مانند گوسفند با دهان خود روی علف می‌چریدند و از گودالهای آب ، رفع تشنگی میکردند . »

در یکی از لوح‌های سومری ، تأکید با اجرای قانون و رعایت انضباط و درستی و نگهداری یتیمان و بیوه‌زنان و پشتیبانی ناتوانان در برابر توانگران ، و تهمی‌دستان در برابر ثروتمندان شده است ، و مردم را از تجاوز به حقوق و دارائی دیگران و از تبهکاری و دروغ و بی‌عدالتی و گناه و سنگدلی با این عبارات بر حذر ساخته است :

«نانشه یتیمان و بیوه‌زنان را میشناسد . از ظلم انسان بانسان آگاه است ، وی مادر یتیمان است و پرستار بیوه‌زنان و داندس مردم تهمی‌دست است . گردنکشان را بورطه هلاکت میکشاند ، زورمندان را به ناتوانان میسپارد . . . »

«مردمی که دست بر مال دیگران دراز میکنند . . .
«کسانیکه حدود آئین‌های مقرر را نگاه نمی‌دارند و عهد و پیمان میشکنند و بادیده رضا به‌قرارگاه شیطان مینگرند .
«کسانیکه پیمان بزرگ را بجای پیمان کوچک بدل میکنند و پیمان کوچک را بجای پیمان بزرگ بکار میبرند .
کسی که مال مردم را بخورد و نگوید .
کسی که آشامیدنی را بنوشد و نگوید .

کسی که نگوید مال حرام خوردم .

کسی که نگوید آشامیدنی حرام نوشیدم»^{۴۷} .

سومریان بواسطه نداشتن گیاه بردی وعدم توفیق در تهیه کاغذ و همچنین نامناسب بودن جلگه بین النهرین جهت نگاهداری نوشته‌هایی که ممکن بوده است روی پاپیروس یا چرم نوشته شود ، بخیال ایجاد بایگانی‌ها و کتابخانه‌ها افتادند و الواح را بروی طاقچه‌هایی به پهنای ۴۵ سانتیمتر میگذاردند و گاهی نیز در کوزه‌ها و خمهای کوچک محفوظ نگاه میداشتند . در شهر تلوی^{۴۷} (شهر همزمان گودئا)^{۴۸} در حدود سی هزار لوح گلی بدست آمد که با ترتیب مخصوص بروی هم چیده شده بود .

اختراع کاغذ

در حدود سال ۱۰۵ میلادی تسائی لون^{۴۹} وزیر کشاورزی چین بر آن شد که تکه‌های کهنه و بیمصرف ابریشم را در آب خیس کرده نوعی خمیر بدست آورد . پارچه‌های خمیر شده در آب را ، از یک صافی که از نی بافته شده بود ، میگذرانیدند (زنبیل نئی) . پس از خارج شدن آب خمیر باقی‌مانده را روی صفحه‌ای پهن کرده صاف مینمودند . پس از خشک شدن چیزی که بدست آمد ، نخستین کاغذ اختراع شده بود . تسائی لون در صدد برآمد که بجای پارچه ابریشم از خیزران یا چوب درخت توت اینکار را انجام دهد . بنابراین الیاف این مواد را ریز ریز نمود و صافی و قالب را نیز صاف و متناسب‌تر درست کردند که چین‌وشکن روی کاغذ نیفتد .

اسرار ساختن کاغذ تا سال ۷۵۱ میلادی که تعدادی از چینی‌ها اسیر مسلمانان شدند ، برای چینی‌ها باقی ماند . از اینسال بین عده‌ای از اسیران چینی که به سمرقند برده شده بودند اشخاصی بودند که بفن کاغذسازی آگاه بودند . بنابراین ساختن کاغذ را در سمرقند رواج دادند و از کتان و شاهدانه کاغذ را میساختند و طولی نکشید که یکی از کالاهای صادراتی سمرقند بسایر کشورهای اسلامی کاغذهای خوب ساخت آنجا بود .

سمرقند بسال ۷۸ هجری (برابر ۷۰۴م) بتصرف مسلمانان درآمد و بسال ۱۳۴ هـ . ق (برابر ۷۵۱م) مسلمانان وارد چین شدند . این جنگ در کنار رودخانه طراز بسرمداری زیاد این‌طالس رخ داد .

یکی از مؤلفان کتاب المسالك والممالك^{۵۰} مینویسد : «که از جمله اسیرانی که صالح بن زیاد در جنگ اطلح از چین بسمرقند آورد ، کسانی بودند که در ساختن کاغذ مهارت داشتند و آنها در سمرقند آغاز ساختن کاغذ کردند و این هنر در آنجا رونق گرفت و کم کم از سمرقند بخراسان سرایت کرد و از آنجا بسایر نقاط برده شد . ابن‌الندیم در الفهرست از شش نوع کاغذ که در زمان

ار معروف بوده سخن میگوید ، و مینویسد : کاغذ خراسانی را از کتاب میساخته‌اند ، و از شش نوع کاغذ نام برده که چهار نوع آن در خراسان تهیه میشده است .

شش نوع کاغذ که ابن‌الندیم نام میبرد : سلیمانی ، طلحی ، نوحی ، فرعونی ، جعفری ، طاهری میباشد . کاغذ سلیمانی همان کاغذ ممتازی بوده که در خراسان میساخته‌اند و بنام سلیمان ابن راشد که در زمان خلافت هارون الرشید والی خراسان بود ، منسوب است . کاغذ طلحی بنام طلحة ابن طاهر دومین امیر از امرای طاهری که از ۲۰۷ تا ۲۱۳ هـ . ق (۸۲۲ - ۸۲۸ م) بر خراسان حکومت داشته و کاغذ نوحی به نوح پادشاه سامانی منسوب است . کاغذ فرعونی کاغذ مصری (پاپیروس) بوده است . کاغذ جعفری منسوب به جعفر برمکی است (۱۸۷ هـ . ق برابر ۸۴۴ - ۸۶۲) ، و کاغذ طاهری بطاهر دوم از امرای طاهری خراسان (۲۳۰ - ۲۴۸ هـ . ق برابر ۸۴۴ - ۸۶۲ م) .

علاوه بر این شش نوع کاغذ ، سمعانی در کتاب^{۵۱} «انساب سمعانی» از یک نوع کاغذ بنام منصورى منسوب به ابوالفضل منصور ابن عبدالرحیم متوفی ۴۲۳ هـ . ق در سمرقند ، نام میبرد .

صنعت کاغذسازی از سمرقند بسایر بلاد اسلامی برده شد و نخستین شهری که پس از خراسان بساختن کاغذ پرداختند ، دربغداد بوده . ابن‌خلدون نوشته‌است که فضل‌ابن یحیی برمکی از بزرگان وزرای عباسی و نخستین کسی بود که در بغداد دستور ساختن کاغذ را داد و چون او در سال ۱۴۷ هـ . ق متولد و در سال ۱۹۳ هـ . ق برابر (۷۶۷ - ۸۰۸ م) درگذشته ، معلوم میشود که در اواخر سده دوم هجری صنعت کاغذسازی

- 39 - Borsippa.
- 40 - Ezida.
- 41 - Austen Henry Layard.
- 42 - Gilgamesh.
- 43 - G. Smith.
- 44 - Hommel.
- 45 - Assara Mazash.
- 46 - Shammash.
- 47 - Tello.
- 48 - Goodea.
- 49 - Tsai - Lun.

۵۰ - سه کتاب مسالك والممالك امروزه در دست میباشد : مسالك وممالك اصطخری و ابن‌حوقل که چاپ دوم آن بنام «صورة الارض» انتشار یافته ومسالک والممالك خردادبه . از چند مسالك وممالك مربوط بسایر تاریخ‌نویسان اسلامی در خدمت ابن‌الندیم و کشف‌الظنون حاجی‌خلیفه یاد شده که فعلاً در دست نیست ومؤلف‌آنها شناخته نشده‌است .

۵۱ - متوفی سال ۵۶۲ هـ . ق برابر ۱۱۶۶ م .

بغداد راه یافته است و بطوری در آن شهر پیشرفت نموده که جعفر بن یحیی برمکی برادر فضل دستور داد برای دیوانها بجای کاغذ پوستی کاغذ ساخت بغداد مصرف نمایند .

این صنعت از بغداد بشام رفت و در طرابلس شام پیشرفت شایانی کرد . ناصر خسرو در سال ۴۳۸ هـ . ق (برابر ۱۰۴۷ م) که شهر شام را دیده از کاغذ زیبا و خوبی که در آنجا ساخته میشده و بهتر از کاغذ سمرقند بوده است ، سخن گفته . دیگر از شهرهای معروفی که در آنجاها کاغذ میساخته‌اند و تاریخ نویسان از آن یاد کرده‌اند ، طبریه و حماة و حلب و دمشق است . کشورهای اروپای شرقی مصرف کاغذ خود را از همین شهرها تهیه مینمودند و واژه «شارتا داماسینا»^{۵۳} در زبانهای اروپائی بمعنی کاغذ دمشق میباشد .

هنر کاغذ سازی بزودی در مصر رواج پیدا کرد و از آنجا بوسیله مسلمانها بجزیره سسیل (صقلیه) و مراکش و آندلس رفت و از سسیل بایتالیا نفوذ پیدا نمود . از شهرهای آندلس که در آن کاغذ میساختند نام شهر شاطبه در مشرق قرطبه برده شده است . تمدن اسلام بساخت و تکمیل این صنعت خدمت بسزائی کرده است .

در ایران معلوم نیست که سواى خراسان در چه شهر دیگری و چه سده‌ای دستگاه کاغذ سازی دایر بوده است . یاقوت که در اوایل سده هفتم هجری میزیسته در معجم البلدان از شهر خونج یا خانه نام برده که در زمان او به «کاغذکنان» یعنی «کاغذ سازان» معروف بوده است و این شهر را بفاصله دو روز از زنجان نوشته است^{۵۴} .

در اسپانیا بسال ۱۱۵۴ میلادی نخستین دستگاه کاغذ سازی در ناحیه هرول و در فرانسه بسال ۱۱۹۰ تأسیس گردید و سپس در کنار مجاری آب در نواحی «اوورنی»^{۵۴} و «تروا»^{۵۵} در فرانسه و در شهر فلورانس ایتالیا بوجود آمد . اروپائیان کاغذ را از پارچه‌های کهنه کتانی یا پنبه‌ای میساخته‌اند و با پر غاز روی آن مینوشتنند . برگ کاغذ را در نوعی ژلانین فرو میبردند ، تا محکم شود . هنگامی که در اواسط قرن پانزدهم میلادی چاپ توسط

«گوتنبرگ» آلمانی اختراع شد ، چون کاغذ زیر فشار حروف قرار میگرفت ، ناچار شد شیئی که از مشتقات چرخشت شرا سازی بود ابداع نماید^{۵۶} .

در طول قرون وسطی بیشتر از نوشته‌های اروپائیان روی کاغذ پوستی بوده است و چون این وسیله گران و گاهی کمیاب بوده ، نمیتوانستند نسخه‌های زیادی از روی کتابها تهیه نمایند و اغلب از کشیشان و روحانیان عیسوی برای نوشته‌ها از کاغذ کتابهای قدیمی استفاده کرده ، حروف و واژه‌های آنرا پاک و برای نوشتن مطلب تازه‌ای روی آن بکار میبردند . در نتیجه همین کار بسیاری از کتابهای قدیمی از بین رفت و اگر صنعت کاغذ سازی توسط مسلمانها باروپا برده نشده بود ، همینقدر کتابهای باستانی که اینک در اروپا موجود است ، دچار همان سرنوشت گردیده بود .

کهنترین نوشته روی کاغذ یکی از نامه‌های «ژوئن ویل» است که بنام «سن لوئی» در ۱۲۷۰ میلادی چند روز پیش از مرگش نوشته شده . دیگر قرارداد سال ۱۱۷۸ میلادی است بین «آلفونس دوم» پادشاه «آراگون» و «آلفونس چهارم» پادشاه «گستیل» (قسطنطنیه) که اینک در بارسلن موجود است . کاغذ این قرارداد در کارخانه کاغذ سازی شطیبیه که مشهور بوده ، ساخته گردیده است . در حالیکه از مسلمانها و کشورهای خاور زمین صدها سال زودتر از این زمان نامه‌ها و کتابها بروی کاغذ نوشته شده ، که بدست آمده و موجود میباشد^{۵۷} .

52 - Charta Damascina.

۵۳ - لغت نامه دهخدا صفحه ۲۰۸ در شرح واژه کاغذ بنقل از شماره ۹ و ۱۰ مجله یادگار سال چهارم که آن مجله نیز از شماره سوم سال ۲۳ مجله المجمع العربی چاپ دمشق (۲۶ شعبان ۱۳۶۷ هـ) بقلم گورگیس عواد ترجمه و نقل شده .

54 - Auvergne.

55 - Troyes.

۵۶ - تاریخ علوم جلد دوم تألیف پی.یر روسو ، ترجمه آقای صفاری صفحه ۱۴۰ .

۵۷ - تاریخ تمدن اسلام تألیف گوستاو لوبون ، ترجمه فخر داعی صفحه ۶۳۸ .

